

مطالعه و بررسی نقش مایه‌های گلیمچه‌های سنتی متکازین

*
سیده نجیبه شفیعی
**
دکتر الیاس صفاران

دکتر فتانه محمودی

چکیده: استان مازندران با نواحی متعدد و پراکنده شهری و روستایی، از نظر تنوع و فراوانی و ویژگی‌های هنری و مهارتی یکی از مهم‌ترین مراکز تولید دست‌بافت‌های سنتی در ایران است. دست‌بافت‌های سنتی روستایی مازندران از جمله گلیمچه‌های سنتی متکازین فرآورده‌های کاربردی و هنری هستند که رشد خلاقیت و ابتکار فردی بافنده و تکامل قریحه و تجربه جمعی بافندگان را در گذر زمان نمایش داده‌اند. پیشینه بافندگی در روستای مورد اشاره و اصالت نقوش و رنگ‌آمیزی گلیمچه‌های سنتی آن، زمینه‌های شهرت این محصول هنری را فراهم کرده و آن را در فهرست آثار بدیع صنایع دستی ایران قرار داده است. گلیمچه‌های متکازین ضمن انعکاس ویژگی‌های کلی هنر بافت‌های سنتی مازندران، مؤلفه‌هایی از فرهنگ بومی و طبیعت پیرامون بافندگان متکازین را عرضه می‌دارد. نقوش گلیمچه‌های سنتی متکازین علاوه بر الگوبرداری از طبیعت و نمایش تجربی آن، از ویژگی‌های ابداعی و رمزهایی برخوردار است که در اندیشه و منش زندگی بافندگان ریشه دارد. از این روی در این نوشتار سعی شده با تکیه بر مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای ویژگی‌های بارز گلیمچه متکازین از نظر طرح، نقش و بافت مورد بررسی قرار گیرد و ضمن مستندسازی محصولات صنایع دستی مازندران و کشف توانمندی و قابلیت‌های هنر بومی این منطقه نقوش مورد استفاده در این بافته‌ها دسته‌بندی و شناسایی شود. باشد که این مقاله سهم اندکی در معرفی و احیای دست‌بافته‌های این منطقه داشته باشد.

واژگان کلیدی: نقش مایه‌ها، دست‌بافته‌های سنتی، گلیمچه، متکازین.

◆ مقدمه

هنر گلیم‌بافی در ایران از پیشینه‌ای کهن برخوردار است. در سیر تکامل این هنر-صنعت در مراکز مختلف بافندگی در حوزه جغرافیایی ایران، نمونه‌های متعدد و متنوعی از جمله گلیم‌های کردستان، شاهسون، قشقایی، بختیاری و افشار به دستداران و مصرف‌کنندگان عرضه شده است. (هال و ویووسکا، ۱۳۷۷).

درباره معانی واژه گلیم در لغت‌نامه‌ها و دانشنامه‌های در دسترس چنین آمده است: «گلیم [گ] (آ) پوشش معروف که از موی بز و پشم گوسفند بافند. جامه پشمین معروف که از پشم میش بافند.» (دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۹۲۵۷). «گلیم: (۱) پارچه پشمی که از آن پتو و لباس زمستانی می‌ساختند. (۲) فرش پشمی بی‌کرک مقابل قالی» (داعی اسلام، ۱۳۶۴، ۴۲۱).

۱- گلیم پوششی که از موی بز و پشم گوسفند بافند

۲- فرش پشمین

۳- پارچه پشمین

۴- جل» (معین، ۱۳۷۱، ۳۳۸۷). همچنین در تعریف گلیم

می‌توان گفت «گلیم: نوعی فرش بدون پرز است که با نخ

پشمی یا پنبه‌ای یا کنفی جهت زیرانداز یا تزیین با درگیری تار و پود بافته می‌شود» (دانشگر، ۱۳۷۲، ۴۷۰). «گلیم نوعی از فرش که با نخ پنبه‌ای یا پشمی بافته می‌شود و پرز ندارد» (عمید، ۱۳۷۷، ۱۰۴۲).

در این مقاله گلیمچه‌های متکازین در مقام یکی از مهم‌ترین و مشهورترین دست‌بافت‌های سنتی استان مازندران از منظر نقوش تصویری مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. هنر بافندگی و دست‌بافی در مازندران، دیرینه‌ای کهن دارد و از دیرباز به عنوان مهم‌ترین فعالیت زنان و دختران روستایی محسوب می‌شده و طی چند صد سال به صورت نسل به نسل ادامه یافته است (رستمی، ۱۳۸۶، ۱۰). در این میان «گسترده‌ی محل زندگی روستاهای مازندران در مناطق کوهستانی و فاصله محل روستاها با شهرها در زمان گذشته، منجر به پیدایش دست‌بافت‌های مختلف و ابداع نقش‌مایه‌های فراوانی شده که در این بین، نقوش گلیم و گلیمچه علاوه بر آن که در همه نواحی بافته می‌شود، از اصالت خاصی برخوردار است» (اعظم‌زاده، ۱۳۸۵، ۱۵).

متکازین از جمله مهم‌ترین روستاهای مازندران است که از تنوع و گوناگونی دست‌بافت‌های سنتی برخوردار است.

* نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناس ارشد پژوهش هنر دانشگاه پیام نور، najme_shafiei2000@yahoo.com

** استادیار گروه هنردانشگاه پیام نور، saffaran@pnu.ac.ir

*** استادیار گروه صنایع دستی دانشگاه مازندران، mahmoudi1965@ymail.co

گلیم، گلیمچه، جاجیم، چادرشب، ساچیم، چمتا، چوقا، سفره و ساق پیچ مهم‌ترین فرآورده و دست‌بافت‌های سنتی متکازین می‌باشند. با این حال گلیمچه‌های سنتی روستای متکازین در مقام مقایسه از دیگر دست‌بافت‌های سنتی این روستا معروف‌تر و مرغوب‌تر می‌باشد.

نشانه‌ها و نقوش تصویری به‌کار رفته در این فرآورده هنری و کاربردی، اصلی‌ترین عامل در هویت‌بخشی، اصالت و تمایز آن از سایر دست‌بافت‌های سنتی دیگر نواحی ایران می‌باشد به طوری که «این محصول همواره به دلیل مرغوبیت در طرح و بافت متقاضیان بسیاری داشته است» (یاوری، ۱۳۸۹، ۱۳۶).

به گفته یکی از بافندگان قدیمی روستای متکازین (معروف به مرضیه خاله)، بافندگی در روستای متکازین فعالیتی زنانه است که اغلب در فصول سرد سال و در ایام فراغت زنان از فعالیت‌های کشاورزی و باغداری انجام می‌گیرد. او گلیم‌بافی را مهارت و هنری موروثی می‌خواند که از گذشته‌های دور از مادران به دختران منتقل می‌شده است. مرضیه خاله تلاش و اراده زنان متکازینی در بافت گلیمچه‌های نفیس را یکی از عوامل شهرت این روستا می‌داند.^۴

با این حال چند سالی است به دلایلی مشخص، بافت گلیمچه‌های سنتی در متکازین با رکود محسوسی مواجه شده و این هنر اصیل بومی و محلی را با تهدید انزوا و فراموشی روبرو کرده است. دلایل این رویداد را با اهالی و بافندگان متکازینی به گفتگو نشستیم که از آن جمله می‌توان به فقدان استمرار در آموزش هنر گلیم‌بافی به دختران نوجوان و عدم تمایل آنها در فراگیری این هنر میراثی، مهاجرت بافندگان به شهرها، عدم حمایت از بافندگان، هزینه‌های رو به افزایش بافت گلیم و در مقابل سود مالی ناچیز از فروش و عرضه این محصولات اشاره کرد.^۵



تصویر ۱: مرضیه خاله از بافندگان قدیمی روستای متکازین

این مقاله با هدف بررسی و مستندسازی یکی از محصولات صنایع دستی استان مازندران که در معرض فراموشی قرار گرفته، تدوین شده و نگارندگان آن طی پژوهش کتابخانه‌ای و میدانی ضمن مطالعه پیشینه و جایگاه هنر گلیم‌بافی در فرهنگ خانواده‌های این ناحیه به متکازین عزیمت کرده و طی گفتگو و مصاحبه با بافندگان بومی، به معرفی و بررسی اصلی‌ترین هنر محلی آنان پرداخته است. آنچه در این مقاله مورد توجه و تأکید قرار گرفته مطالعه، تحلیل و طبقه‌بندی نقوش گلیمچه‌های سنتی متکازین است و موضوعات دیگر از جمله آسیب‌شناسی و چالش‌های این هنر-صنعت، تهیه ابزار، مواد اولیه مصرفی و مراحل و شیوه‌های بافت در کانون توجه نگارندگان نبوده است.

همانطور که ارنست فیشر هنر قومی را بازتابنده اندیشه‌های یک اجتماع می‌داند (فیشر، ۱۳۷۰، ۱۹۱) و هانس ای. وولف معتقد است از طریق مطالعه فن بافندگی یک تمدن می‌توان به شناختی از سایر کارهای فنی و هنری و احتمالاً عقاید اقتصادی، سیاسی و معنوی آن تمدن دست یافت (وولف، ۱۳۷۲، ۱۵۵) پیوند اندام‌وار طرح‌های گلیمچه‌های سنتی متکازین با فرهنگ بومی، ذهنیات و شیوه زندگی ساکنان این روستا به عنوان یکی از نتایج حاصل از این پژوهش استنتاج شده است.

◆ موقعیت جغرافیایی و اقلیمی

در فاصله یکصد کیلومتری شهر ساری و پنجاه و پنج کیلومتری جنوب شرقی شهرستان بهشهر و از توابع بخش یانه‌سر^۶ روستای کوهستانی، سردسیر و بیلاقی متکازین قرار دارد. «روستای متکازین از لحاظ موقعیت جغرافیایی در طول جغرافیایی ۵۳ درجه و ۴۷ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه قرار دارد و در ارتفاع ۱۲۰۰ متری از سطح دریا واقع شده است. متکازین از جمله روستاهای دهستان عشرستاق، بخش یانه‌سر شهرستان بهشهر استان مازندران می‌باشد» (طرح هادی روستای متکازین، ۱۳۸۹). روستای متکازین در موقعیت کوهستانی دره‌ای قرار گرفته است و شکل استقرار روستا به صورت متراکم می‌باشد و اراضی کشاورزی آن به صورت اراضی زراعی و باغی است. جدول شماره ۱ موقعیت سیاسی و عکس شماره ۲ موقعیت جغرافیایی روستا را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱)- موقعیت روستا بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی (برگرفته از طرح هادی روستای متکازین، ۱۳۸۹)

نام روستا	دهستان	بخش	شهرستان	استان	حریم شهر	فاصله به کیلومتر تا:		
						مرکز دهستان	مرکز بخش	مرکز شهرستان
متکازین	عشرستاق	یانه سر	بهشهر	مازندران	-	۶	۶	۴۰

جدول شماره ۲- تعداد و نرخ رشد جمعیت روستای متکازین در سال‌های ۸۵-۱۳۴۵ (برگرفته از طرح هادی روستای متکازین، ۱۳۸۹)

سال	تعداد جمعیت	نرخ رشد
۱۳۴۵	۴۲۱	-
۱۳۵۵	۳۳۷	-۲/۲
۱۳۶۵	۲۹۰	-۱/۵
۱۳۷۵	۲۵۹	-۱/۱
۱۳۸۵	۳۹۹	۴/۴

♦ موقعیت فرهنگی و اجتماعی

دین اهالی روستای متکازین اسلام و مذهب آنها شیعه می‌باشد و بیشتر اهالی آن از سادات و دوستداران خاندان پیامبر اکرم (ص) می‌باشند. به طوری که اکثریت اهالی روستا در اعیاد و مراسم مذهبی نظیر عزاداری‌های ایام محرم حضور فعالانه و مستمری دارند.

مردم این روستا به زبان فارسی تکلم می‌کنند اما لهجه و گویش مازندرانی متداول است. از نظر آداب و رسوم اکثر اهالی متکازین دارای فرهنگ و رسوم مشترک هستند و در آنجا کمتر اختلافات قومی و فرهنگی مشاهده می‌شود. در سال ۱۳۸۵ از ۳۸۰ نفر جمعیت شش ساله و بیشتر، ۲۵۰ نفر باسواد می‌باشد که معادل ۶/۶۲ درصد از کل جمعیت روستا است. به عبارتی میزان افراد باسواد این روستا ۸/۶۵ درصد می‌باشد (همان).

روستای متکازین مأمن پرورش شخصیت‌های تاریخی و مشاهیر فرهنگی و دینی نیز بوده است که از جمله این افراد می‌توان به آیت‌الله میرمحمدیوسف حسینی‌متکازینی، محمدهادی رضایی، میرتقی حسینی‌نصیری و آیت‌الله سیدنجف حسینی‌میرامینی اشاره کرد.^۷

♦ موقعیت اقتصادی و صنایع دستی

به طور کلی فعالیت‌های اقتصادی روستای متکازین در سه محور اصلی قرار دارد که به شرح زیر است:

- **کشاورزی:** زراعت، باغداری، ماهیگیری و دامداری، صید و شکار
- **صنعت و ساخت:** تأسیسات، صنایع روستایی و دستی
- **خدمات:** فروشندگی، حمل و نقل، خرده فروشی، ارتباطات، مستغلات، کارکنان و مددکاران



تصویر ۲: موقعیت جغرافیایی روستای متکازین

از نظر ویژگی‌های اقلیمی منطقه مورد بررسی دارای زمستان‌های سرد و مرطوب و تابستان‌های گرم و معتدل است. وجود رشته‌کوه‌های البرز به صورت حافظ رطوبت دریای خزر، اختلاف بسیار زیاد ارتفاعی، فراوانی نسبی بارندگی، تنوع آب و هوایی و حاصل‌خیزی در پیدایش رستنی‌های گوناگون طبیعی و تولیدات کشاورزی متکازین نقش فراوان دارد. ناحیه مزبور به لحاظ حیات گیاهی و جانوری از تنوع چشمگیری برخوردار است (همان).

♦ جغرافیای انسانی

جمعیت روستای متکازین براساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۴۵، ۴۲۱ نفر در سال ۱۳۵۵، ۳۳۷ نفر در سال ۱۳۶۵ جمعیت روستا ۲۹۰ نفر بوده است. جمعیت روستا در سال ۱۳۷۵ حدود ۲۵۹ نفر بوده که حاکی از نرخ رشد ۱/۱- درصد می‌باشد. جمعیت روستا در سال ۱۳۸۵ حدود ۳۹۹ نفر گزارش شده که نسبت به سال‌های قبل کاهش پیدا کرده و نرخ رشدش ۴/۴ می‌باشد. بطورکلی جمعیت روستا در این سال‌ها همواره کاهش داشته و در سال‌های اخیر به دلیل فرایندهای کنترلی جمعیت، تنظیم خانواده و ارتقاء بهداشت از شدت کاهش آن کاسته شده است (همان).

با توجه به مطالعات انجام شده سازمان اقتصادی حاکم بر روستای متکازین مبتنی بر مجموعه نسبتاً متنوعی از کارکردهای اقتصادی شامل فعالیت‌های زراعی و باغی می‌باشد. ساخت اقتصادی ناحیه و اتکاء آن به تولید در بخش زراعت، باغداری و دامداری و مداومت در بهروری از آن تا حدود زیادی توانسته است عامل ایجاد یک سازمان اقتصادی گردد.

اگرچه کشاورزی از مشخصه‌های بارز کارکرد این روستاها محسوب می‌شود لیکن در کنار این فعالیت مشاغل دیگر نیز وجود دارد که در رونق اقتصادی و افزایش درآمد روستائیان کمک شایان توجهی نموده است. روستای متکازین در بخش صنعت شاغلی ندارد و تنها تعداد معدودی از زنان در بخش صنایع کارگاهی و خانگی نظیر گلیمچه‌بافی و دیگر دست‌بافت‌های سنتی فعالیت دارند. در گذشته فعالیت بافندگی سنتی در متکازین از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده و این قبیل فعالیت‌های هنری در اقتصاد خانوارها نقش مؤثری بر عهده داشته‌اند. اما امروزه تعداد بسیار کمی از زنان روستای متکازین به فعالیت بافندگی می‌پردازند. بنا به گفته اهالی و بافندگان روستای متکازین، انقطاع در آموزش سنتی بافندگی، رشد آمار مهاجرت به شهرهای بزرگ‌تر و بسیاری مشکلات در مسیر تهیه مواد خام، تولید و عرضه دست‌بافت‌های سنتی مهم‌ترین عوامل رکود این هنر-صنعت در این روستا است (شفیعی، ۱۳۹۱).

به طور کلی از گذشته تا به امروز نظام تولید در سایر فعالیت‌های زراعی و باغی و صنایع دستی این ناحیه با تأثیرپذیری از برخی آموزه‌های سنتی و انتقال آن از نسل‌های گذشته به نسل حاضر و در کنار آن پذیرش تکنولوژی و نهاده‌های پربازده نیز برای اصلاح برخی کاستی‌های تولید شکل گرفته است.

◆ گلیمچه متکازین

از کهن‌ترین دست‌بافته‌های سنتی ویژه روستای متکازین، گلیمچه‌بافی است که بر روی دستگاه پارچه‌بافی به شیوه دو وردی تولید می‌گردد. این محصول در مناطق مختلف مازندران با نقش‌ها، طرح‌ها و نام‌های متفاوت تولید می‌شود، اما در نهایت شیوه تولید در همه جا یکسان است (رستمی، ۱۳۸۶، ۳۰).

سیده‌انسیه خلیلی از بافندگان گلیمچه‌های سنتی متکازین در معرفی این بافته سنتی گفته است: «گلیمچه متکازین یکی از اصیل‌ترین بافته‌های مازندران است. طول این گلیمچه از ۱۰۰ تا ۱۵۰ سانتی‌متر و عرض آن از ۶۰ تا ۹۰

سانتی‌متر متغیر است و بافندگان برای داشتن گلیمچه‌ای با عرض بیشتر قطعات آن را از طول (پهلوی) به هم می‌دوزند. تار گلیمچه متکازین از نخ پنبه‌ای با نمبر ۲۰ دوازده لا و پود آن از پشم ۵ دولا می‌باشد. اما در گذشته تار و پود هر دو از نخ پشمی تهیه می‌شد. رنگ‌های مورد استفاده برای بافت نقوش آن شاد و متنوعند، مانند: نخودی، قرمز، سبز، نیلی، سورمه‌ای، زرد و مشکی. متأسفانه رنگ زمینه گلیمچه‌های امروزی بیشتر لاک‌ی رنگ است و مانند گذشته تنوع رنگی ندارد. این گلیمچه توسط دستگاه‌های سنتی بافندگی که در گویش محلی به آن «چاله» می‌گویند بافته می‌شود. ساختمان چاله با اندک تفاوتی تقریباً با تمامی دستگاه‌های بافت دستی مشابه است» (خلیلی، ۱۳۹۰).



■ تصویر ۲: انسیه خلیلی از بافندگان مهاجر متکازینی ساکن بهشهر در حال بافت گلیمچه سنتی

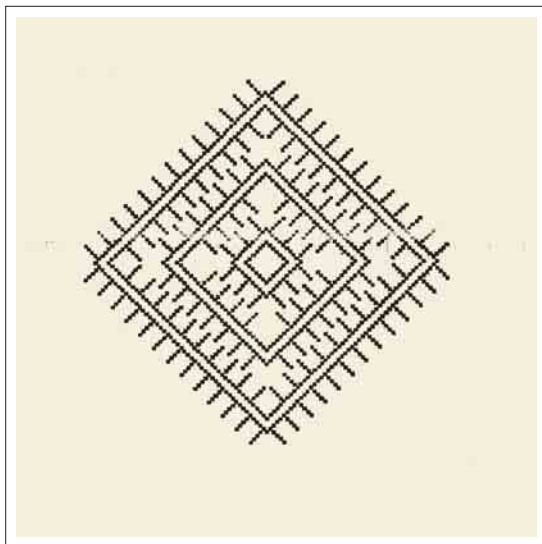
درباره موارد مصرفی متعدد گلیمچه‌های متکازین و جایگاه فعلی آن می‌توان گفت: «در متکازین بیشتر از گلیمچه به عنوان زیرانداز، رختخواب پیچ، روبه کرسی، پادری و خورجین استفاده می‌کنند، ولی به دلیل محدود بودن رنگ، متأسفانه در خانه‌های امروزی گلیمچه‌ها جایگاهی ندارند. در صورتی که می‌توان با تغییر در رنگ و حتی الیاف مورد استفاده، علاوه بر صادرات، از این دستباف به عنوان روتختی، روبه مبل، کوسن، رومیزی و کیف هم استفاده کرد» (صدیقی‌زاده، ۱۳۸۴).

◆ معرفی و طبقه‌بندی نقوش در گلیمچه‌های متکازین

ریشه‌یابی و تعیین زمان و محل ظهور نقوش گلیم و گلیمچه‌های یک ناحیه دشوار است زیرا همواره در اثر تبادلات فرهنگی طرح‌های ابداعی و نقوش یک دست‌بافته از یک منطقه به منطقه دیگر انتقال یافته است. با این‌حال

هستند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به «موری یا تخته‌ای (شطرنجی)»، «پیاله»، «چهار برج دستمالی»، «چهار برج یک پیچ» و غیره اشاره کرد. لازم به ذکر است چهار برج در فرهنگ بافندگان متکازین به معنای چهار فصل می‌باشد.

در بررسی نقوش هندسی محض گلیمچه‌های سنتی نکته حائز توجه، تغییر رویدادها و عناصر عینی به مؤلفه‌های بصری بنیادین در قاب اشکال هندسی و انتزاعی محض است. بافندگان متکازینی در تحلیل این نقوش، تحلیل شفافی از ریشه‌های این اشکال تجریدی ارائه نکردند و به این نکته اذعان داشتند که این دسته از نقوش را صرفاً سینه‌به‌سینه از گذشتگان خود به ارث برده‌اند و از سرمنشاء آن آگاهی ندارند.



■ تصویر ۴: نقش گل‌پله‌ای یکی از نقوش انتزاعی محض رایج در گلیمچه‌های سنتی متکازین



■ تصویر ۵: نمونه‌ای نقوش انتزاعی محض در گلیمچه متکازین با طرح چهار برج

بررسی اسامی نقوش، طبقه‌بندی و مطالعه بررسی و شکل‌گیری آنها ما را تا حدودی به زندگی و ذهنیات بافندگان و مصرف‌کنندگان بومی آنها هدایت می‌کند.

با نگاه به طرح‌های ترسیمی و نقوش پدید آمده در گلیمچه‌های سنتی مازندران، ضرورت پی بردن به فضای ذهنی و نیاز بافندگان و اقتباس آنها از شکل زمین‌های زیرکشت، طرح درختان، ساقه‌ها، گیاهان و حیوانات، الزامی خواهد بود. تأثیر از طبیعت و شیوه بهره‌گیری از ظاهر آن و اقتباس از برخی نقوش اقوام همجوار، تقریباً در گلیمچه‌های همه مناطق این استان به طرز مشابه احساس می‌گردد. (اعظم‌زاده، ۱۳۸۵، ۱۵).

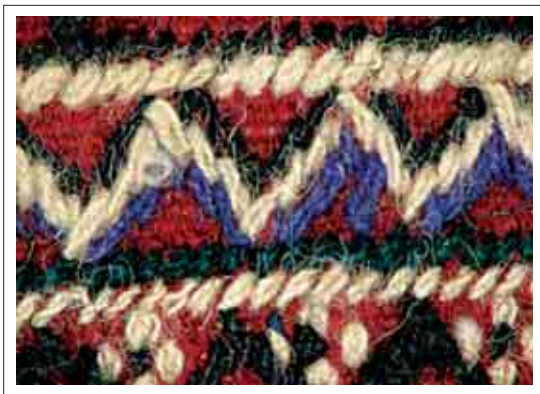
خلیلی درباره مفهوم نقش‌مایه‌های گلیمچه‌های سنتی متکازین و تأثیر آن از طبیعت گفته است: «نقش‌های گلیمچه متکازین کاملاً سنتی است و بیشتر برگرفته از طبیعت پیرامون بافنده است. در بافت این گلیمچه نقشه کاربردی ندارد و معمولاً بافنده این کار را به صورت ذهنی انجام می‌دهد. تمامی نقش‌ها و طرح‌های گلیمچه متکازین دارای معانی خاصی بوده‌اند، اما متأسفانه امروزه از فلسفه بعضی از این نقوش و نامگذاری آنها اطلاعی در دست نیست و بافنده به دلیل سنتی بودن نقوش و به طور موروثی از این طرح‌ها استفاده می‌کند» (خلیلی، ۱۳۹۰).

نقش‌های گلیمچه‌های این روستا، اغلب هندسی و انتزاعی است و به ندرت نقش خمیده، تصاویر طبیعت‌گرایانه و انسانی در آنها مشاهده می‌شود. نقش‌مایه‌های گلیمچه‌های متکازین بر پایه ذهنیت انتزاعی بافندگان شکل گرفته‌اند حتی آنجا که بافنده تقلید و اقتباس از طبیعت را مبنای هنرآفرینی خود قرار داده با ذهنیتی تجریدی به نظاره و تقلید از طبیعت پرداخته است. با عنایت به بررسی میدانی نقوش‌های متنوع که در گلیمچه‌های این روستا به‌کار می‌روند، نقش‌ها براساس صورت ظاهر، نام محلی و اطلاعات سینه‌به‌سینه بافندگان محلی به پنج گروه:

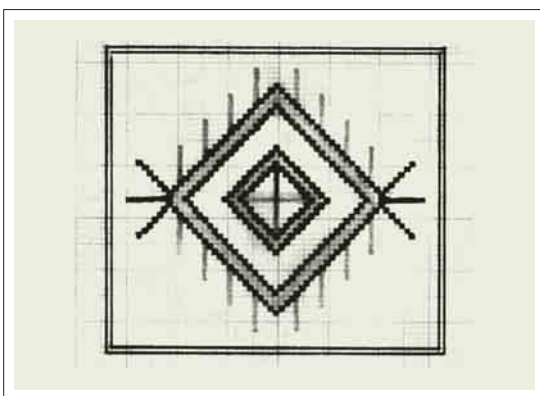
۱. نقوش هندسی محض
 ۲. نقوش هندسی-طبیعی
 ۳. نقوش هندسی-گیاهی
 ۴. نقوش هندسی-جانوری
 ۵. نقوش هندسی-ابزاری
- تقسیم‌بندی شده است.

۱- نقوش هندسی محض

یکی از نقوش اصلی به کار رفته در گلیمچه‌های متکازین نقوش هندسی محض است. در بیشتر این دست‌بافته‌ها اشکال بنیادین مربع، لوزی و مثلث آشکار



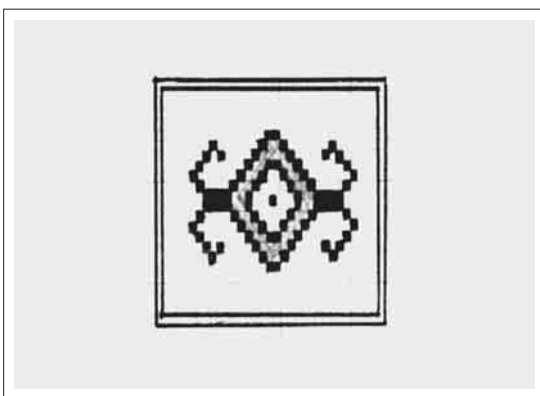
تصویر ۸: نقش سرپندکلاه در حاشیه گلیمچه متکازین



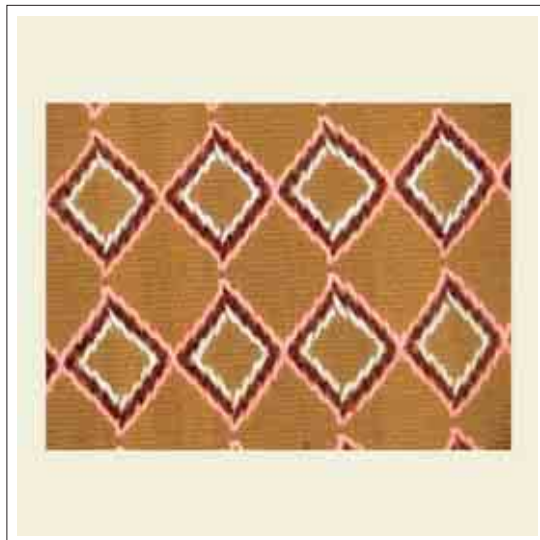
تصویر ۹: نقش منقلی به نشانه خورشید



تصویر ۱۰: نقش منقلی در متن گلیمچه متکازین



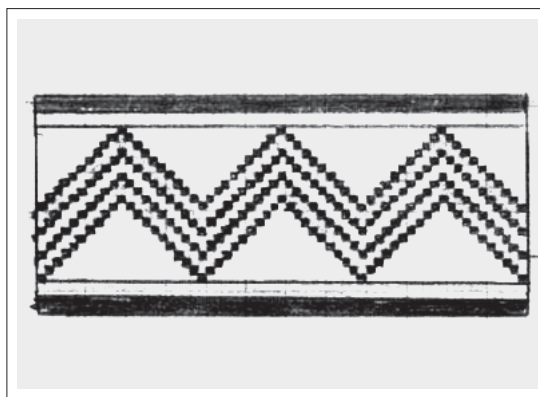
تصویر ۱۱: نقش آفتاب تیر به معنی اشعه آفتاب



تصویر ۶: نقش چپ‌پیچ بیاله نمونه‌ای از نقوش انتزاعی محض در گلیمچه‌های متکازی

۲-۷- نقوش هندسی - طبیعی

این گروه از نقوش، نقش مایه‌های هندسی الگوبرداری شده از عناصر و مناظر طبیعت هستند که به طریق انتزاعی از کوه، خورشید و سایر عناصر طبیعی طراحی شده است. این دسته از نقوش به کار رفته در گلیمچه‌های متکازین ساده و روان تصویر شده‌اند. این سادگی نقوش و نشانه‌های تصویری از شیوه زندگی، ساده‌زیستی و نگرش توأم به احترام بافندگان به طبیعت و محیط پیرامون سرچشمه می‌گیرد. چکیده‌نگاری عناصر طبیعی از طریق خطوط و اشکال منظم هندسی «حاصل تلفیق ناآگاهانه ذهن و دست انسان است. کوه‌ها، دره‌های عمیق، بستر رودخانه‌ها، همگی عملاً در حد مرزهای طبیعی هستند که انسان‌ها در آنها نظام‌هایی به وجود می‌آوردند که بیانگر گرایش‌های مشخص تصادفی و خطی است» (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰، ۸۱). این روش چکیده‌نگاری در نقوش زیگزاگی «سرپندکلاه» (به نشانه کوه)، «منقلی» (به نشانه خورشید) و «آفتاب تیر» (به معنای شعاع آفتاب) نمونه موفق از انتخاب بافندگان متکازینی است (تصاویر ۷ تا ۱۲).



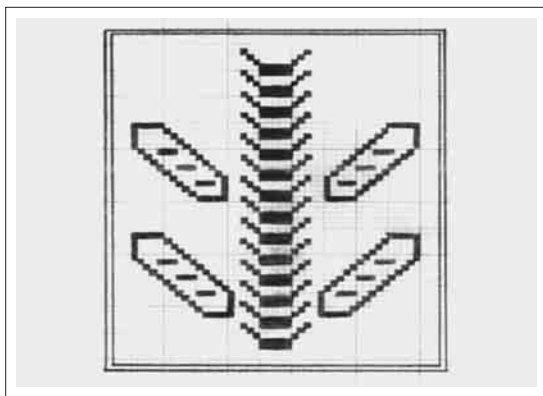
تصویر ۷: نقش سرپندکلاه



تصویر ۱۴: نقش دارداری در متن گلیمچه سنتی متکازین



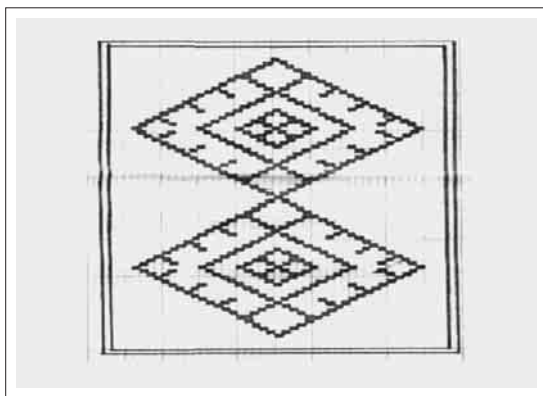
تصویر ۱۲: نقش آفتاب‌تیر در متن گلیمچه متکازین



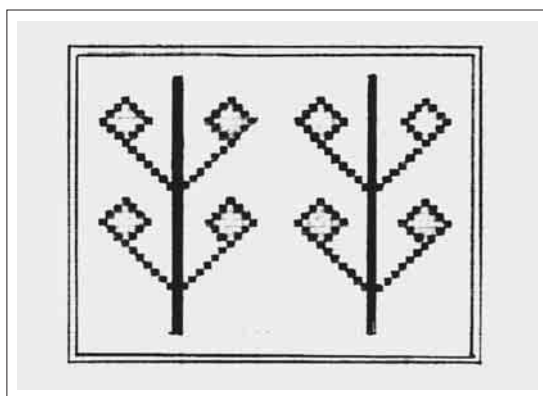
تصویر ۱۵: نقش چمازی الگو برداری شده از گیاه (خوشه گندم)



تصویر ۱۶: نقش چمازی در متن گلیم متکازین



تصویر ۱۷: نقش پلاس گل متأثر از نوعی گل

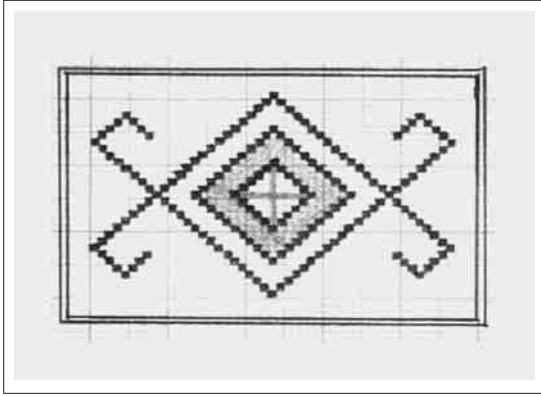


تصویر ۱۳: نقش دارداری به نشانه انبوه درختان

نکته قابل توجه در نقوش هندسی این دست‌بافت‌ها حضور پررنگ نقوش به شیوه هندسی است. البته هندسی شدن طرح‌ها و محدودیت این اشکال، تا حدودی به عملکرد دستگاه بافت و دو وردی بودن و شیوه پودگذاری مربوط می‌شود. در این شیوه تنها از نخ تار و نخ پود برای بافت گلیم استفاده می‌شود. پودهای رنگارنگ را از زیر و روی رشته‌های تار می‌گذرانند و با تغییر رنگ‌های پود است که نقش‌ها پدیدار می‌شود (اعظم‌زاده، ۱۳۸۵، ۱۸ به نقل از آشوری).

۳-۷- نقوش هندسی-گیاهی

این دسته از نقوش متأثر از طبیعت گیاهی شکل گرفته‌اند به طوری که هر بیننده‌ای با مشاهده این نقوش، می‌تواند آنها را شناسایی و تشخیص دهد. مهم‌ترین این نقوش که در گلیمچه‌های متکازین به ویژه در گذشته کاربرد بسیاری داشته‌اند عبارتند از: «دارداری» (به معنای انبوه درختان)، «چمازی» و «پلاس گل» (تصاویر ۱۳ تا ۱۸).



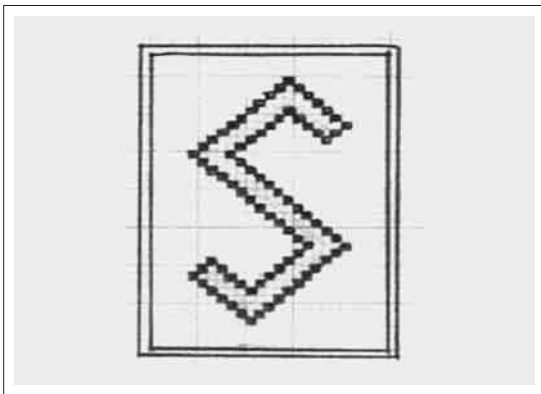
تصویر ۲۱: نقش خرچنگ یکی از نقوش حیوانی



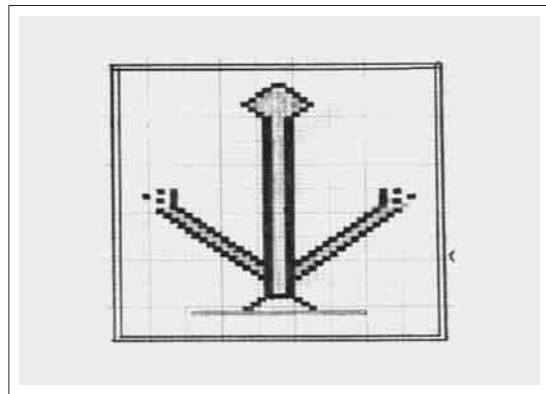
تصویر ۱۸: نقش پلاسگل در متن گلیمچه متکازین



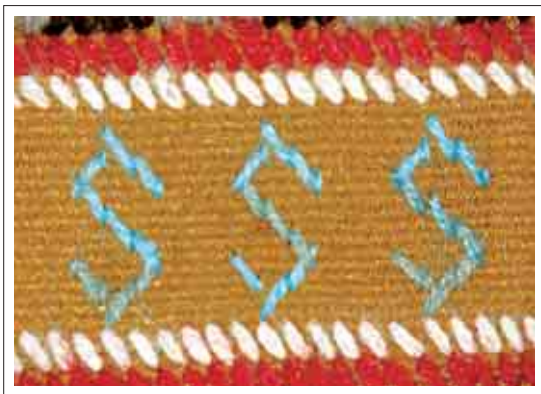
تصویر ۲۲: نقش خرچنگ در متن گلیمچه متکازین



تصویر ۲۳: نقش چنگلی طرح هندسی شده چنگال حیوانات



تصویر ۱۹: نقش پنجوک متأثر از پای مرغ



تصویر ۲۴: نقش چنگلی در حاشیه گلیمچه متکازین



تصویر ۲۰: نقش پنجوک یا پامرغی در گلیمچه متکازین

۴-۷- نقوش هندسی-جانوری

این دسته از نقوش گلیمچه‌ها متکازین متأثر از طبیعت جانوری شکل گرفته است. در میان نقوش جانوری گلیمچه‌های متکازین «پنجوک» (پای مرغ)، «خرچنگ»، «چنگلی» (پنجه حیوانات) و «هیلی» (کندوی زنبور عسل) از طراحی واضح‌تری برخوردار هستند. شیوه طراحی و اجرای طرح پنجوک در متن گلیم، همراه با تکرار مجدد آن تلفیقی از خط و نقطه را نمایش می‌دهد. در میان نقوش هندسی-جانوری این نقش از زیبایی و سادگی و تقارن کامل برخوردار است (همان، ۱۹).

۷-۵- نقوش هندسی-ابزاری

این دسته از نقوش که در گلیمچه‌های متکازین به طور محدودی از آنها استفاده می‌شود از ابزار و اشیای تزئینی الگوبرداری شده است. از میان این گروه از نقوش، «زلف عروس» از سایرین شناخته‌شده‌تر و مطرح‌تر می‌باشد. نقش زلف عروس بیشتر مشابه یک شیء تزئینی است که ممکن است در گذشته به گوش آویخته می‌شد و یا با تکرار آن گردنبندهای زینتی می‌ساختند. طراحی نقش زلف عروس در قالب نقش لوزی، کاربرد بصری پویا و فعالی دارد و در تقابل انرژی دوجانبه (در جانب بالا و پایین) به تعادل می‌رسد (همان، ۲۰). البته بهره‌گیری فراوان بافندگان متکازین از نقش لوزی را باید در محدودیت‌های مربوط به دستگاه بافت موسوم به دستگاه چاله نیز جستجو کرد.



تصویر ۲۵: نقش زلف عروس در گلیمچه متکازین

نقوش به‌کار گرفته شده در گلیمچه‌های متکازین ضمن تجسم سادگی و ساختار منظم و نیرومند طرح، منعکس‌کننده ذهنیت و اندیشه نظم‌آفرین بافندگان این روستا است. از سوی دیگر تنوع و تعدد نقش‌مایه‌ها و تغییر آنها به ویژه در گلیمچه‌های امروزی متکازین نشانه روحیه ابتکار و نوجویی در میان بافندگان این منطقه است. با تمامی ویژگی‌های و ارزش‌های هنری که برای گلیمچه متکازین برشمرده شد متأسفانه هنر گلیمچه‌بافی در این روستا از تحرک و پویایی باز ایستاده و به رکود دچار شده است. بافندگان این روستا که اکنون تعدادشان از انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کند به دلیل مشکلات اقتصادی و عدم حمایت‌های مادی و معنوی دیگر اشتیاقی برای استمرار ثبت هنر اصیل محلی و موروثی خود ندارند.

◆ نتیجه‌گیری

هنر گلیمچه‌بافی در متکازین از گذشته به عنوان یک هنر موروثی جایگاه ویژه‌ای در میان خانوارها و فرهنگ بومی این روستا داشته است. رونق این هنر در گذشته زمینه‌های

شهرت این محصول را فراهم و متکازین را به عنوان یکی از مراکز بافت گلیمچه‌های مرغوب و نفیس در کشور مطرح نموده است. تلاش زنان بافنده روستای متکازین در گذشته، به بافت گلیم و طراحی نقوش آن اصالت و هویت بخشیده است. اما امروزه این دست‌بافته محلی به‌دلایل متعدد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی استمرار نیافته و در معرض نابودی و فراموشی قرار گرفته است.

اصالت و سادگی نقش‌مایه‌های گلیمچه‌های متکازین علاوه بر نمایش ذهن خلاق و هنرمندی دستان این بافندگان، تأثیرپذیری از بعد روحی و معنوی فرهنگ عامه متکازین و نحوه زندگی، نظام شغلی و اقتصادی آنها را نمایش می‌دهند. توجه به نقش‌مایه‌های هندسی و انتزاعی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های گلیمچه‌های متکازین محسوب می‌شود. برخلاف تمایل شهرنشینان به تصویر چشم‌اندازهای طبیعی، بافندگان متکازین به تبعیت از روستاییان سایر نواحی کوهستانی مازندران، به دلیل مواجهه طولانی با طبیعت و کشاورزی، گرایش به طبیعت‌گرایی محض را در دست‌بافته‌هایشان به حداقل رسانده و به طراحی نقوش انتزاعی تمایل پیدا کرده‌اند.

آنچه مسلم است این است که در گلیمچه‌های روستای مورد اشاره و بنا به گفته بافندگان آن هیچ نقشی به صورت تصادفی شکل نگرفته و در پس هر یک از نقوش مفهوم و معنایی نهفته است که در نهایت به آداب و رسوم و اعتقادات و گرایش‌های ذهنی مردمان این ناحیه راه می‌برد.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت انعکاس ذهنیات و شیوه معیشت بافندگان در آثار، تأثیرپذیر از طبیعت، زمین‌های کشاورزی، گیاهان و حیوانات در طراحی نقوش، تسلط رنگ‌های سرزنده، شاداب و گرم، بهره‌گیری از اشکال انتزاعی و هندسی، استفاده مفید از فضا در طراحی، نماد و نمادپردازی با الگوبردازی از محیط زندگی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و مشخصات گلیمچه‌های متکازین محسوب می‌شود.

با مطالعه و دقت در ترکیب نقوش گلیمچه‌های متکازین می‌توان به ویژگی‌های کلی اشاره کرد که در معرفی این دست‌بافته مؤثر خواهد بود. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های بصری گلیمچه‌های متکازین عبارت است از:

۱. وجود تقارن و بهره‌گیری از ضرباهنگ منظم در آرایش نقوش.
۲. بهره‌گیری از ترکیب‌بندی ساده و در عین حال پویا و پرتحرک.
۳. وجود توازن و تناوب خط‌ها و شکل‌ها و بهم‌پیوستگی اشکال و نقوش.

۳. پرهیز از نقوش پیچیده و تأکید بر سادگی و چکیده‌نگاری در طراحی نقوش.

۴. اتکا بر نظم خطی در به‌کارگیری نشانه‌های بصری.

۵. عدم وجود فضای منفی یا خالی در این دست‌بافت‌ها.

◆ بی‌نوشت‌ها

۱. نوعی پارچه پشمی است که دارای نقوش ساده و افقی می‌باشد و از پشم بهاره گوسفند به صورت دست‌ریس و خودرنگ در تار و پود آن استفاده می‌شود. ساچیم ابتدا به‌صورت طاقه‌ای به طول ۱۰ متر و عرض ۴۰ سانتی‌متر بافته می‌شود و پس از اتمام بافت به ۵ قسمت مساوی تقسیم و از به هم دوختن آنها ساچیمی با ابعاد موردنظر (معمولاً ۲۰۰×۲۰۰) سانتی‌متر به‌دست می‌آید. ساچیم از لحاظ ظاهری تفاوت چندانی با جاجیم ندارد فقط پهنای قطعات جاجیم بیشتر است و دارای نقوش رنگارنگ عمودی است در حالی‌که تنوع رنگی ساچیم کمتر و دارای نقوش راه‌راه افقی است.

۲. مانند خورجین به عنوان کیسه کوچک به‌منظور نگهداری نیازهای روزمره در مسیر منزل و محیط پیرامون مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳. از این دست‌بافته که کاملاً جنبه مصرفی دارد برای تهیه کت و شلوار مردانه و البسه روستاییان استفاده می‌شود. البته امروزه به دلیل ورود پارچه‌های ارزان‌قیمت صنعتی، بافت این نوع پارچه در مازندران تقریباً منسوخ شده است. مواد اولیه این محصول پشم و پنبه می‌باشد و گاهی در انواع مرغوب از ابریشم استفاده می‌شود.

۴. برگرفته از مجموعه مصاحبه‌های نگارندگان با بافندگان متکازین در مردادماه ۱۳۹۱.

۵. برگرفته از مجموعه مصاحبه‌های نگارندگان با بافندگان متکازین در مردادماه ۱۳۹۱.

۶. بخش یانه‌سر یکی از بخش‌های سه‌گانه شهرستان بهشهر در ناحیه کوهستانی البرز قرار گرفته است. این بخش که از دیر باز منطقه هزار جریب نامیده می‌شده در تقسیمات سیاسی کشور تقریباً منطبق بر بخش یانه‌سر است و جزیی از منطقه کوهستانی البرز می‌باشد که دارای روستاهای پراکنده و کوچک است. هزارجریب نامی است که از دیرباز تاکنون به منطقه‌ای مشتمل بر مناطق کوهستانی شهرستان‌های بهشهر، نکاء، ساری، و شرق سوادکوه در استان مازندران و قسمتی از ناحیه کوهستانی شهرستان‌های سمنان و دامغان اطلاق می‌شود (ریاحی، ۱۳۷۵).

۷. مصاحبه با سیداسماعیل محمدی عضو شورای اسلامی

روستای متکازین در مردادماه ۱۳۹۱.

◆ فهرست منابع

۱. اردلان، نادر و لاله بختیار، حس وحدت، ترجمه: وحید شاهرخ، نشر خاک، تهران، ۱۳۸۰.
۲. اعظم‌زاده، محمد، نگاهی به نشانه‌های تصویری در گلیم و گلیمچه‌های مناطق شرق استان مازندران، گلجام (فصلنامه علمی و پژوهشی انجمن علمی فرش ایران)، شماره سه، تهران، ۱۳۸۵.
۳. خلیلی، سیده‌انسیه، گلیمچه متکازین، تحقیقات شخصی، ۱۳۹۰.
۴. دانشگر، احمد، فرهنگ جامع فرش دست‌بافت، انتشارات دی، تهران، ۱۳۷۲.
۵. رستمی، مصطفی، دست‌بافته‌های سوادکوه، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۸۶.
۶. ریاحی، علی‌اصغر، سیمای جغرافیایی هزار جریب، انتشارات سرو، تهران، ۱۳۷۵.
۷. شرکت مهندسین مشاور طاهر افراز شمال، طرح هادی روستای متکازین، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مازندران، ساری، ۱۳۸۹.
۸. شفیع، سیده‌نجیبه، آسیب‌شناسی و مطالعه راهکارهای شناسایی، معرفی و احیاء هنر بافته‌های سنتی استان مازندران (نمونه مورد مطالعه هنر گلیم سنتی متکازین)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۹۱.
۹. صدقاتی‌زاده، ندا، ارائه طرح‌های جدید براساس نقش مایه‌های دست‌بافت‌های داری و دستگاهی منطقه متکازین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر اصفهان، ۱۳۸۴.
۱۰. فیشر، ارنست، تولید اجتماعی هنر، سروش، تهران، ۱۳۶۸.
۱۱. وفایی، شهربانو، سیمای میراث فرهنگی استان مازندران، اداره‌کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱.
۱۲. وولف، هانس‌ای، صنایع دستی کهن ایران، ترجمه: سیروس ابراهیم‌زاده، نشر و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۲.
۱۳. هال، آلستر و جوزو لوچیک و ویوسکا، گلیم: تاریخچه، طرح، بافت و شناسایی، مترجمین: شیرین همایون‌فر و نیلوفر الفت‌شایان، نشر کارنگ، تهران، ۱۳۷۷.
۱۴. یآوری، حسین، شناخت گلیم و گلیم‌مانده‌های ایران، آذر و سیمای دانش، تهران، ۱۳۸۹.